

ساحت‌های تربیت

محمد عالم‌زاده نوری*

چکیده

ساحت‌های تربیت، هدف کلان تربیت را خرد، و اهداف تربیت را دسته‌بندی می‌کند. هر قدر شناخت از اهداف و ساحت‌های تربیت، کامل‌تر باشد، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات در مقام نیز جامع‌تر و جزئی‌تر می‌گردد و توازن و تناسب بیشتری در آن رعایت خواهد شد. هم‌چنین با شناخت ساحت‌های تربیت، قدرت ارزیابی عملیات جامع تربیت و آسیب‌شناسی آن نیز بیشتر خواهد بود. در طبقه‌بندی ساحت‌های تربیت، رویکردهای مختلفی وجود دارد. ساحت‌های تربیت را شامل: شناختی، عاطفی و رفتاری دانسته‌اند. در دسته‌بندی دیگری ساحت‌های تربیت شامل: ارتباط با ماورای طبیعت (خدای متعال، مبدأ هستی، اولیای خدا، فرشتگان، عوالم دیگر)، ارتباط با موجودات عالم طبیعت، ارتباط با خود، ارتباط با دیگر انسان‌ها، ارتباط با غیرانسان‌ها (جماد، نبات، حیوان، مصنوعات بشری و مانند آن) است. این پژوهش پس از تحلیل رویکردهای مختلف در یک پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیلی، ساحت‌های تربیت را در یک رویکرد جامع و یکپارچه ارائه کرده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش ساحت‌های تربیت شامل تربیت معنوی الهی، فردی، اجتماعی، محیطی است که هر کدام از این حیطه‌ها، محورهای خاصی دارند. بایستی در پژوهش‌های آینده تبیین شود که کدام یک از ساحت‌های تربیت مهم‌ترند و تربیت در کدام ساحت بر ساحت‌های دیگر مقدم است و به عبارت دیگر مراحل تربیت چگونه است. کلیدواژه‌ها: تربیت؛ ساحت‌های تربیت؛ اهداف تربیت؛ تربیت معنوی؛ تربیت فردی؛ تربیت اجتماعی؛ تربیت محیطی.

* استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: mhnoori@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸



مقدمه

نظام دانشی تربیت اسلامی، از عناصر زیر تشکیل شده است:

۱. مبانی تربیت؛ ۲. اهداف تربیت؛ ۳. اصول تربیت؛ ۴. روش‌های تربیت؛ ۵. مراحل تربیت؛ ۶. عوامل و موانع تربیت؛ ۷. برنامه‌های تربیتی؛ ۸. فناوری و ابزار تربیت، و...^۱ از این میان ذیل عنوان دوم یعنی اهداف، بحث «ساحت‌های تربیت» به عنوان یکی از مباحث اساسی و بنیادین عرصه انسان‌سازی ذکر می‌شود. ۴ برنامه‌ریزی‌های تهذیبی و تربیتی بر پایه آن شکل می‌گیرد.

در طرح تربیتی اسلام، هدف عالی تربیت «نزدیکی به خدا» است که انسان را شایسته مقام جانشینی یا خلیفه‌اللّٰهی می‌گرداند. این هدف، با عبودیت و بندگی خالصانه حاصل می‌شود. البته بندگی خالصانه برای دستیابی به چنین مرتبه بلندی مصادیق و شئون مختلفی دارد و در انواع ارتباطات انسان جلوه می‌کند که لازم است به گستره آن تفصیلاً توجه شود.

ساحت‌های تربیت، هدف کلان تربیت را خُرد و اهداف تربیت را دسته‌بندی می‌کند؛ هر قدر شناخت ما از اهداف و ساحت‌های تربیت، کامل‌تر باشد، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات ما در مقام تربیت، جامع‌تر و جزیی‌تر می‌گردد و توازن و تناسب بیشتری در آن رعایت خواهد شد. هم‌چنین با شناخت ساحت‌های تربیت، قدرت ارزیابی ما از عملیات جامع تربیت و آسیب‌شناسی آن نیز بیشتر خواهد شد.

پس از شناسایی ساحت‌های گوناگون وجودی انسان که نیازمند رشد و تهذیب و تربیت است، می‌بایست جایگاه هریک از این ساحت‌ها و سهم و وزن هر کدام تعیین و در یک منظومه یک‌پارچه طبقه‌بندی شود؛ ۴ طوری که تقدم و تأخر و نیز اولویت و اهمیت و شمولیت آنها در برابر یکدیگر معلوم باشد.

۱. «مبانی تربیت» گزاره‌هایی توصیفی هستند که در دانش تربیت، اصل موضوع و پیش‌فرض به شمار می‌روند و علی‌القاعده برای اثبات آنها باید به علوم دیگر مراجعه کرد. «اهداف تربیت» مطلوبیت‌هایی هستند که پس از عملیات تربیت حاصل می‌شوند. «اصول تربیت» باید‌های کلان حاکم بر عملیات تربیت‌اند که تخطی از آن همواره خطاست. «روش‌های تربیتی» نیز باید‌های جزیی ولی جایگزین‌پذیر هستند که چگونگی دستیابی به اهداف را در چارچوب آن اصول روشن می‌گردانند. «مراحل تربیت» سیر طولی دستیابی به اهداف تربیت را نشان می‌دهد؛ درحالی که «ساحت‌های تربیت» روابط عرضی میان اهداف را نمایان می‌سازد. «عوامل تربیت» اموری هستند که دستیابی به اهداف تربیتی را امکان‌پذیر یا آسان می‌گردانند و در مقابل، «موانع تربیت» اموری هستند که دستیابی به اهداف تربیتی را ناممکن یا دشوار می‌سازند.

پیشینه بحث

در زمینه احصا و طبقه‌بندی اهداف و ساحت‌های تربیت، نمونه‌های روشن و آماده‌ای وجود دارد و تلاش‌هایی صورت گرفته است. نمونه اول، بسته‌هایی از اهداف و مطلوبیت‌های متنوع تربیتی است که ترتیب منطقی روشنی در آن دیده نمی‌شود و نوعاً ادعای احصا و استقصا و نظام‌وارگی ندارد؛ اما اجمالاً بر لزوم جامعیت شخصیت انسان و تنوع اهداف و ساحت‌های تربیت تأکید می‌کند؛ مانند:

◀ قرآن کریم: اوصاف عباد الرحمن در آخر سوره فرقان، اوصاف مؤمنان در ابتدای سوره مؤمنون و ...؛

◀ روایات: خطبه همام نهج البلاغه^۱، حدیث جنود عقل و جهل، یکصد و سه صفت مؤمنان در کلام پیامبر اکرم ﷺ،^۲ حدیث اربعه^۳ و ...؛

◀ منشور تربیتی نسل جوان؛

◀ فهرست‌های الفبایی.^۴

نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که در آن، نوعی طبقه‌بندی و انسجام ملاحظه می‌شود؛ مانند:

۱. رُوی أَنَّ صَاحِباً لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يُقَالُ لَهُ: هَمَامٌ كَانَ رَجُلًا عَابِداً فَقَالَ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرَ إِلَيْهِمْ فَتَنَاقَلَ عَلَيْهِمَا فَقَالَ: «يَا هَمَامُ اتَّقِ اللَّهَ وَأَحْسِنْ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» فَلَمْ يَقْنَعْ هَمَامٌ بِهَذَا الْقَوْلِ حَتَّى عَزَمَ عَلَيْهِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ (ﷺ) ثُمَّ قَالَ: «أَمَا يَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاءٍ وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَاشِهِمْ وَوَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ فَأَلْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلَبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ وَ مَشْيُهُمُ التَّوَاضُّعُ ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

۲. رُوی أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ) قَالَ: «لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانُهُ حَتَّى يَخْتَوِيَ عَلَى مِائَةِ وَثَلَاثِ خِصَالٍ فِعْلٍ وَ عَمَلٍ وَ نِيَّةٍ وَ بَاطِنٍ وَ ظَاهِرٍ» فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْمِائَةُ وَ ثَلَاثُ خِصَالٍ؟» فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَّالَ الْفِكْرِ جَوَّهَرِيَّ الذِّكْرِ كَثِيرًا عِلْمُهُ عَظِيمًا حِلْمُهُ ...» (ابن همام اسکافی، التمهیص، ص ۷۴).

۳. هی اربعمائه باب للدين والدنيا (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۰۰).

۴. مانند کتاب «ارزش‌ها و ضدارزش‌ها در قرآن» اثر ابوطالب تجلیل؛ «دانش‌نامه قرآنی اخلاق» اثر پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن؛ «نصرة النعيم في مكارم اخلاق الرسول الكريم» (موسوعة روایات اخلاقی اهل سنت) که به شیوه الفبایی نگاشته شده است؛ «اصطلاح‌نامه اخلاق اسلامی» که مانند همه اصطلاح‌نامه‌ها علاوه بر نمایش درختی و نظام‌یافته موضوعات اخلاقی، صورت نمایش الفبایی دارد. البته در نمایش درختی و ترسیمی موضوعات هم تنها یک تقسیم‌بندی کلان چهارضلعی (آداب، حقوق، رذایل و فضایل) طرح شده و ذیل فضایل و رذایل به ترتیب حروف الفبا عناوین اخلاقی را سامان داده است.



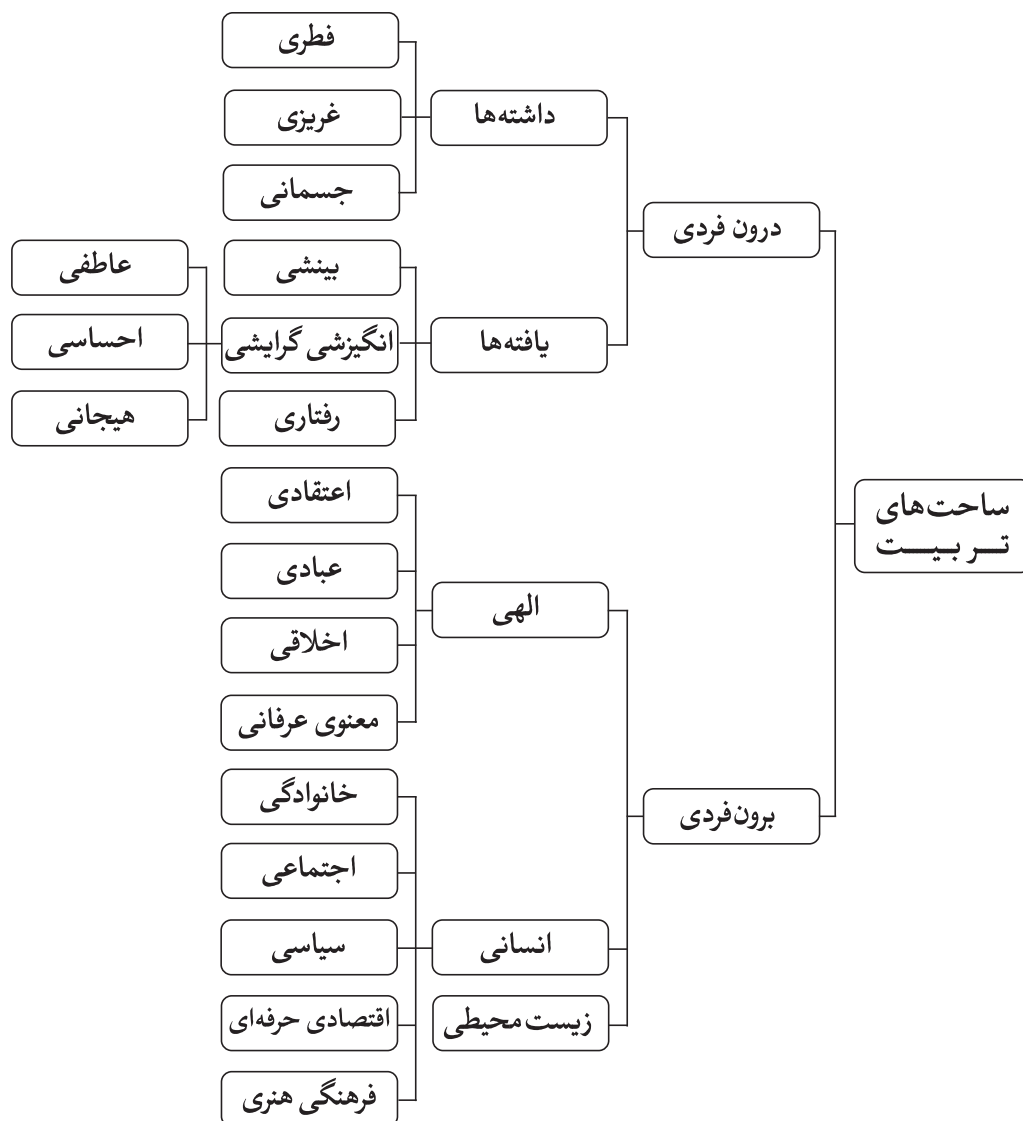
- ◀ طبقه‌بندی اهداف تربیتی بر اساس قوای نفس (شهوویه، غضبیه، عاقله [و واهمه]) که در اخلاق ارسطویی شکل گرفته است؛
- ◀ طبقه‌بندی اهداف و ساحت‌های تربیت بر اساس روابط چهارگانه انسان (با خود، با خدا، با دیگران، با محیط)؛^۱
- ◀ طبقه‌بندی اهداف تربیت بر اساس ابعاد وجودی انسان (شناخت، گرایش، رفتار)؛
- ◀ طبقه‌بندی اهداف تربیت، متشکل از ترکیب روابط چهارگانه با ابعاد وجودی سه‌گانه که توسط مرحوم آیت‌المصباح بیان شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۱۲-۲۸۹)

اهداف	حوزه بندگی	حوزه شخصی	حوزه اجتماعی			حوزه طبیعی
			فرهنگی اجتماعی	اقتصادی	سیاسی	
بنیادینی	مانند شناخت خدا و پیامبر	مانند خودشناسی و شناخت فضایل	مانند شناخت حقوق دیگران و قوانین اجتماعی	مانند شناخت احکام و اولویت‌های اقتصادی	مانند شناخت اهداف سیاسی اسلام و آگاهی از شرایط سیاسی	مانند شناخت وظایف انسان نسبت به طبیعت
گرایشی	مانند محبت به خدا و خوف از او	مانند علم دوستی و احساس عزت	مانند علاقه به والدین و حس همیاری	مانند روحیه قناعت و پیرزاری از تنبلی	مانند گرایش به تحقق دولت کریمه	مانند علاقه به حفظ و بهبود منابع طبیعی
رفتاری	مانند شکر و تقوی الهی	مانند نظم و برنامهریزی	مانند معاشرت نیکو و دفاع از حق دیگران	مانند اتفاق و میانه‌روی در مصرف	مانند التزام به ولایت فقیه و حمایت از مبهن اسلامی	مانند حفظ منابع طبیعی و بهره‌برداری صحیح از آن

۱. این الگوی چهارضلعی اولین بار در کتاب مصباح‌الشریعه آمده و به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است؛ گرچه بنابر قول صحیح‌تر مصباح‌الشریعه کتاب روایی نیست و استناد این کلمات به امام صادق علیه السلام مخدوش است. متن آن سخن به این شرح است: «أُصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَفْعُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجِهٍ: مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا؛ وَ كُلُّ وَجْهِ مِنْهَا مُنْقَسِمٌ عَلَى سَبْعَةِ أَرْكَانٍ.... فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهِيَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقًّا». (منسوب به امام صادق علیه السلام؛ مصباح‌الشریعه، ص ۵).

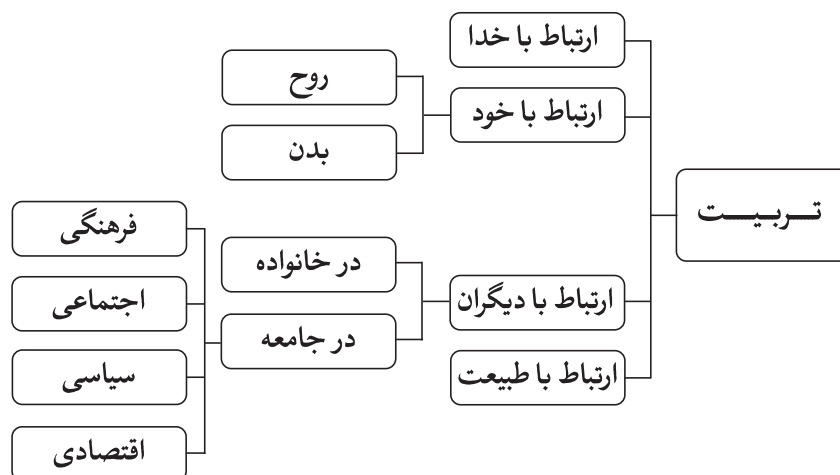
◀ طبقه بندی هفده گانه ساحت های تربیتی در نظام نامه تربیتی المصطفی ﷺ به شرح زیر:

۱. تربیت فطری؛ ۲. تربیت غریزی؛ ۳. تربیت جسمانی؛ ۴. تربیت علمی؛ ۵. تربیت عقلانی؛
۶. تربیت گرایشی انگیزشی (عاطفی، احساسی، هیجانی)؛ ۷. تربیت رفتاری؛ ۸. تربیت اعتقادی؛
۹. تربیت عبادی؛ ۱۰. تربیت اخلاقی؛ ۱۱. تربیت معنوی یا عرفانی؛ ۱۲. تربیت خانوادگی؛ ۱۳.
- تربیت اجتماعی؛ ۱۴. تربیت سیاسی؛ ۱۵. تربیت اقتصادی - حرفه ای؛ ۱۶. تربیت فرهنگی - هنری؛ ۱۷. تربیت زیست محیطی. (امعة المصطفی، ۱۳۹۷: ۲۲۰)





در نظام تربیتی بسیجیان (طرح صالحین) نیز ساحت‌های تربیت در حوزه‌های ارتباطی چهارگانه به شرح زیر بیان شده است:



◀ در بخش فلسفه تربیت، از سند ملی تحول آموزش و پرورش نیز به این شش ساحت اشاره شده است:

- ساحت تربیت دینی (اعتقادی عبادی) و اخلاقی؛
- ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی؛
- ساحت تربیت زیستی و بدنی؛
- ساحت تربیت هنری و زیباشناختی؛
- ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛
- ساحت تربیت علمی و فناوری.

با این وصف، شایسته است تصویر روشنی از نقشه کامل ساحت‌ها و اهداف تربیتی داشته باشیم و مأموریت خود را در تربیت جامع و متوازن به شکل دقیق معلوم سازیم. بنابراین، پرسش مشخص بحث عبارت است از:

۱. ساحت‌های تربیت کدام است؟
۲. این ساحت‌ها چه ضرایب و نسبتی با یکدیگر دارند؟



اهمیت و ضرورت بحث^۱

انسان موجودی دارای ابعاد و ساحت‌های مختلف است: روح و بدن دارد؛ از بیند ها، گرایش‌ها و توانایی‌های مختلف برخوردار است و با دیگر موجودات جهان ارتباط‌هایی دارد؛ از آنها تأثیر می‌پذیرد و بر آنها تأثیر می‌گذارد. از آنجاکه تعلیم و تربیت، فرایندی برای ایجاد، شکوفایی، تصحیح، تقویت، تعدیل و هدایت بینش‌ها، گرایش‌ها و استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد مختلف روح و بدن برای رسیدن به کمال مطلوب است، با همه این ابعاد و ساحت‌ها سروکار دارد. به این ترتیب، هنگامی که از تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم، درواقع از انواع قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی سخن می‌گوییم که در ابعاد مختلف روح و بدن انسان قرار دارد و انسان برای رسیدن به کمال مطلوب خود، نیازمند آن است که با یاری دیگران، آنها را به فعلیت برساند یا آنها را تصحیح، تعدیل، تقویت و هدایت کند.

به این ترتیب، یکی از اموری که باید در تعلیم و تربیت مشخص شود، حوزه‌های مختلفی است که تعلیم و تربیت با آنها سروکار دارد؛ یعنی موضوعات، استعدادها و مابلیت‌هایی که برای تعلیم و تربیت باید ایجاد، شکوفا، اصلاح، تعدیل، تقویت یا هدایت شوند.

برای بیشتر معلوم شدن ضرورت این بحث، باید توجه کنیم که هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی، دادن آگاهی‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌ها و به فعلیت رساندن استعدادهای انسان در جهت نزدیکی به خداوند است و بنابر مبانی انسان‌شناختی، همه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های وجودی انسان برای نزدیکی به خداوند تأثیر دارد؛ اما انسان‌ها، صرف نظر از ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی که در نیازهای آموزشی و استعدادها با یکدیگر دارند، دارای ابعاد و جوانب مشترک بسیار متنوعی هستند و مطالعه و بررسی دقیق استعدادها و نیازمندی‌های مشترک انسان‌ها، مستلزم تفکیک این ابعاد و جوانب است؛ به طوری که تفکیک نشدن آنها، موجب سردرگمی در تعیین اهداف جزئی و در نتیجه، ممکن نشدن برنامه‌ریزی و ارزیابی درست است.

درواقع، نیازمندی‌های علمی و تربیتی انسان‌ها بسیار متنوع است و هنگامی که پژوهشگران برنامه‌ریزان و دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، درصدد بررسی این نیازمندی‌ها، هدف‌گذاری و تعیین اصول و روش‌هایی برای تعلیم و تربیت برمی‌آیند، ناگزیرند حوزه این نیازمندی‌ها و استعدادها را تعیین و تفکیک کنند و به هر یک از آنها به طور جداگانه بپردازند. به همین



۱. این بخش با اندکی تصرف از این منبع نقل شده است: محمدتقی مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۲۲.



دلیل در دانش تعلیم و تربیت برای فرآیند آموزش پرورش، ساحت‌های مختلفی در نظر گرفته می‌شود و به این وسیله حوزه‌های خاص تعلیم و تربیت از یکدیگر تفکیک می‌شود.

تعریف ساحت

مقصود از «ساحت»، حوزه، محدوده و دامنه خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرد؛ مشروط بر آن‌که اولاً حوزه‌های مزبور در عرض یکدیگر باشند؛ ثانیاً این حوزه‌ها برای انسان از جهت که انسان است در نظر گرفته شده باشد؛ نه از جهت ویژگی‌ها، استعدادها یا نیازهای فرد یا جامعه‌ای خاص. توضیح آنکه: در تعلیم و تربیت، می‌توان فعالیت‌ها را در طول هم در نظر گرفت و دامنه محدودی نیز برای هر دسته از آنها لحاظ کرد. برای مثال: می‌توان تعلیم و تربیت رسمی را برحسب مقاطع سنی به تعلیم و تربیت پیش‌دبستانی، دبستانی، راهنمایی، متوسطه و عالی تقسیم کرد. این حوزه‌ها گرچه محدود و معین هستند، در طول یکدیگر قرار می‌گیرند و از این جهت، آنها را ساحت‌های تعلیم و تربیت نمی‌دانیم؛ بلکه مراحل تربیت می‌نامیم. هم‌چنین می‌توان حوزه آموزش‌های هم‌عرض را از جهت نیازهای خاص و متفاوت جنس زن و مرد، در نظر گرفت و آموزش را از این جهت به آموزش پسران و دختران تفکیک و تقسیم کرد. حوزه‌های یادشده نیز گرچه هم‌عرض‌اند، ساحت تعلیم و تربیت نامیده نمی‌شوند؛ زیرا برای آموزش جنس خاص در نظر گرفته شده‌اند، نه آموزش انسان، از آن جهت که انسان است و با دیگر انسان‌ها نیازمندی‌های مشترکی دارد. اما هنگامی که نیازهای مشترک و هم‌عرض انسان‌ها، معیار تقسیم حوزه‌های تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد، حوزه‌های مزبور را ساحت‌های تعلیم و تربیت می‌نامیم. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۲۴)

تقسیم تعلیم و تربیت به ساحت‌های مختلف می‌تواند با لحاظ‌های مختلف، متفاوت باشد و طبعاً نمی‌توان ادعا کرد که تنها یکی از این تقسیمات درست و تقسیمات دیگر لزوماً نادرست است؛ هرچند همه این تقسیمات مطابق تعریف، بر اساس انواع نیازمندی‌های علمی، مهارتی و استعدادهای هم‌عرض و مشترک میان انسان‌ها صورت گرفته باشد. برای نمونه: می‌توان تعلیم و تربیت را به ساحت‌های مادی و معنوی، یا دنیوی و اخروی، یا فردی و اجتماعی یا اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم کرد. ملاک ما برای تعیین ساحت‌های تعلیم و تربیت این است که ساحت‌ها:

◀ ناظر به استعدادهای قابل شکوفایی و نیازمندی‌های علمی و مهارتی انسان در راستای قرب الهی باشند؛

◀ دامنه‌های محدود و در عرض هم را برای تعلیم و تربیت معین کنند؛

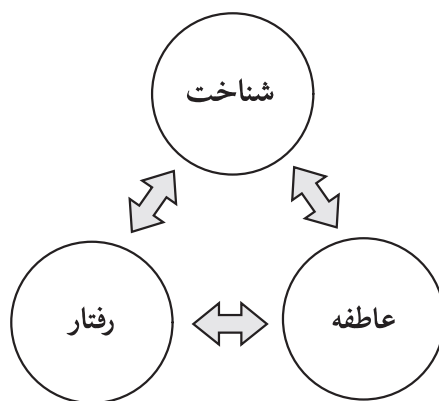
◀ میان انسان‌ها مشترک باشند؛

◀ تقسیم به این دامنه‌ها برای تعلیم و تربیت، مفید و معقول باشد؛

◀ تقسیم تا حد امکان دارای حصر عقلی باشد و در غیر این صورت، اقسام تا حد ممکن استقرار شده باشند. (همو، ۳۲۵)

ابعاد وجودی انسان: شناخت، عاطفه و رفتار

در بحث از مبانی انسان‌شناختی، انسان را دارای سه بعد «بینش»، «گرایش» و «کنش» یا «توانش» دانسته‌اند. هر یک از این ابعاد دارای استعدادها و توانمندی‌های خاص و شکوفاپذیر است و با شکوفا شدن و فعلیت یافتن آنها، می‌توان افعال اختیاری انسان را به سمت هدف نهایی، که همان قرب الهی است، جهت داد تا با شتاب مناسب برای رسیدن به آن حرکت کند.



درواقع آنچه مانع حرکت انسان به سمت هدف نهایی یا موجب کندی حرکت می‌شود، یکی از این سه چیز است:

۱. ضعف و نقصان در ناحیه شناخت‌ها و بینش‌ها؛ مانند آن که شناخت کافی از هدف یا راه‌های رسیدن به آن ندارد یا شناخت وی عمیق یا مستدل نیست.
۲. ضعف از جهت گرا ها و میل‌های مناسب؛ به طوری که میل به حرکت را به اندازه کافی در انسان بر نمی‌انگیزد.
۳. ضعف و کاستی در قدرت انجام دادن اعمال و رفتارهای مناسب.



تعلیم و تربیت با هدف قرار دادن شکوفایی استعدادها و توانمندی‌ها باید درصدد رفع انواع این کاستی‌ها برآید و در هر سه حوزه بیند ها، گرا ها و رفتارها هدف عام خود را دنبال کند. بر این اساس ی‌توان تعلیم و تربیت را به سه بعد «بینشی، گرایشی و رفتاری» تقسیم کرد. سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری گرچه به لحاظ نظری از یکدیگر قابل تفکیک اند، در عمل کاملاً با یکدیگر ارتباط دارند؛ به گونه ای که رفتارها مبتنی بر بینش‌ها و گرایش‌ها، و گرا ها مبتنی بر بینش‌ها و رفتارها و بینش‌ها نیز مرتبط با رفتارها و گرایش‌ها شکل می‌گیرند. بنابراین آنچه موضوع بینش قرار می‌گیرد، ه بسا موضوع گرایش و رفتار نیز قرار گیرد. به این ترتیب در هر سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری، امکان تقسیم مشابه به ساحت‌های مختلف وجود دارد.

تعیین ساحت‌های تربیت

در این جا سه ساحت‌های تربیت را بر اساس ارتباطات انسان تصویر می‌کنیم. انواع ارتباطات انسان به شرح زیر است:

◀ ارتباط با ماورای طبیعت (خدای متعال مبدأ هستی، اولیای خدا، فرشتگان، عوالم دیگر)؛

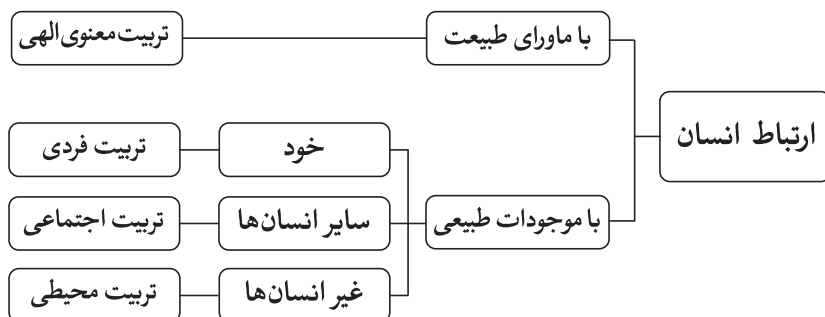
◀ ارتباط با موجودات عالم طبیعت:

- ارتباط با خود؛
- ارتباط با دیگر انسان‌ها؛
- ارتباط با غیرانسان ها (جماد، نبات، حیوان، مصنوعات بشری و مانند آن).

در هر یک از این ارتباطات، لازم است که انسان رشد داشته باشد و استعدادهای خود را شکوفا کند.^۱

۱. برای آن‌که بتوانیم تقسیم نسبتاً جامعی در خصوص موضوعات و متعلقات تعلیم و تربیت داشته باشیم، مناسب است انواع روابط انسان را در نظر بگیریم؛ زیرا هم بینش‌ها، هم گرایش‌ها و هم رفتارهای انسان، در رابطه انسان با چیزهای دیگر شکل می‌گیرد. این روابط یا مستقیماً به خود شخص مربوط می‌شود یا به غیر او. به عبارت دیگر: بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای ما، گاه مستقیماً به خود ما مربوط می‌شود و گاه به چیزی دیگر. آنچه به غیر خود شخص مربوط است؛ یا در ارتباط با انسان‌های دیگر است، یا در ارتباط با دیگر موجودات عالم طبیعت، اعم از جمادات، حیوانات و گیاهان و یا در ارتباط با ماورای طبیعت و در رأس آن، خدای متعال.

این تقسیم علاوه بر اینکه جامع همه انواع ارتباطات انسان است، مفید و معقول هم هست؛ زیرا نوع گرایش و رفتار انسان و احیاناً بینش او به خود، جامعه، طبیعت و ماورای طبیعت، متفاوت است. گرایش انسان و رفتار او در قبال ☞



افق نهایی و هدف عالی انسان‌سازی در طرح اسلام، تقویت روح بندگی و افزایش ایمان است. از نظر اسلام، انسان تنها در مقابل خدا وظیفه دارد و همواره باید در صدد جلب رضای او باشد؛ بنابراین هیچ چیز دیگر یا هیچ کس دیگری را در ردیف خدا قرار نمی‌دهد و بدان توجه نمی‌کند. البته خدای متعال وظایفی را برای انسان در قبال خود یا دیگران یا محیط پیرامونی‌اش معین فرموده که آدمی باید برای جلب رضای او آن وظایف را انجام دهد. به بیان دیگر: انسان در مقابل خودش، دیگران و سایر موجودات، مسئولیت الهی و وظیفه عبودیت دارد؛ بنابراین انسان مؤمن در پرتو بندگی و با هدف جلب رضایت خداوند اموری را در مورد خودش یا انسان‌های دیگر یا سایر موجودات مراعات می‌کند.

خود و نیز بینش و شناخت اولیه‌ای که از خود دارد، مستقیم و بی‌واسطه است؛ اما عموماً موجودات دیگر را از طریق خود می‌شناسد؛ به خاطر خود به آنها گرایش پیدا می‌کند و از توانمندی‌های خود در رفتار با آنها استفاده می‌کند؛ اما از میان موجودات دیگر، عموماً رابطه انسان با انسان‌های دیگر، از نوع تعامل و رابطه موجودات م عرض با یکدیگر است و رابطه او با ماورای طبیعت، از نوع رابطه موجود دانی با عالی است، و بالاخره رابطه انسان با طبیعت، از نوع رابطه موجود عالی با دانی است و برای بهره‌گیری، سلطه و استخدام.

ساحتی از تعلیم و تربیت را که ناظر به رابطه شخص با خودش است «ساحت شخصی» می‌نامیم. هم چنین ساحتی را که ناظر به رابطه او با انسان‌های دیگر است «ساحت جمعی»، ساحتی را که درباره رابطه او با طبیعت است «ساحت طبیعی»، و ساحتی را که ناظر به رابطه انسان با ماورای طبیعت و در رأس آن خداوند است «ساحت الهی» نام می‌نهیم (مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۲۶).

مقصود از تفکیک انواع ارتباطات انسان، به ارتباط با خداوند و ماورای طبیعت، خود، افراد دیگر و طبیعت، این است که در هر نوع از انواع ارتباطات یادشده، یکی از امور مذکور، مستقیماً طرف رابطه است و طبعاً مقصود آن نیست که ارتباط انسان با امور مذکور کاملاً در عرض یکدیگر است؛ به طوری که هرگاه انسان با یکی از آنها ارتباط داشته باشد، با امور دیگر کلاً بی‌ارتباط باشد. برای مثال: همه رفتارهای اختیاری در صورتی حقیقتاً ارزشمند هستند که برای قرب الهی صورت گیرند؛ یعنی رابطه آنها با خداوند ملحوظ باشد. در این صورت همه ارتباطات انسان باید در عین حال، رابطه‌ای با خدای متعال داشته باشند. به این ترتیب مقصود از رابطه شخص با خودش نیز فعالیت‌هایی است که مستقیماً با دیگران ارتباط ندارد. در این صورت ساحت‌های شخصی، جمعی، طبیعی و الهی نیز در عین ارتباط با یکدیگر، قابل تفکیک اند (همو، ص ۳۲۹).



بدین ترتیب در نظام تربیت اسلامی، اهداف فردی، اجتماعی و محیطی، قسیم ایمان یا یک خط موازی با ایمان و بندگی نیست؛ بلکه امتداد ایمان و رسم بندگی است. هم چنین اهداف فردی و اجتماعی و محیطی را نباید یک دستگاه مستقل از تقوا و عبودیت تعریف کرد؛ بلکه جلوه عبودیت و مصداق تقوا و قاعده موحد زیستن و ایمان ورزیدن است.^۱

پس همه ارزش‌ها در نظام تربیت اسلامی مستقیم یا غیرمستقیم با خدای متعال پیوند خورده‌اند. برخی از آنها که به «ارزش‌های الهی و معنوی» معروف‌اند، ناظر به ارتباط بدون واسطه در تعامل بنده با خدا هستند و برخی دیگر گرچه به شکل مستقیم ناظر به تعامل با موضوعات دیگرند، ولی غیرمستقیم برآمده از روح عبودیت و بندگی در برابر خدای متعال است.

به بیان دیگر: وظایف انسان در مقابل خدا به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) وظایف دوجانبه یا عبادات بالمعنی الاخص؛ ب) وظایف چندجانبه یا عبادات بالمعنی الاعم. منظور از وظایف دوجانبه، اعمال خاصی است که انسان موظف است برای خداوند انجام دهد. در انجام این دسته از عبادات، پای هیچ کس و هیچ چیز جز خداوند در کار نیست؛ اما منظور از وظایف چندجانبه، انجام اعمالی است که هرچند انسان موظف است مانند دسته نخست، آنها را به عنوان یک وظیفه الهی و برای خداوند انجام دهد، ولی علاوه بر خداوند، پای فرد یا افراد دیگر یا شیء یا اشیاء دیگری نیز در میان است. در این دسته از اعمال، انسان موظف است کار یا کارهای خاصی را به عنوان وظیفه الهی در قبال آن افراد یا اشیاء انجام دهد یا از انجام آنها سر باز زند.^۲

الف) تربیت معنوی الهی

ساحت الهی معنوی در تربیت، تمام امور مربوط به رابطه فرد با خدای متعال و عالم غیب (فرشتگان، وجود نوری اهل بیت علیهم السلام و اولیا، معاد و ...) را در بر می‌گیرد. این امور شامل بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای شخص به ماورای طبیعت و در رأس آن خداوند متعال است. تقویت شناخت و بینش به خدای متعال، پرورش احساس عشق، امید، خوف، خضوع و رضایت از خداوند و شکرگزاری از خدا، توکل بر او، توسل به اولیای الهی و یاد آخرت و قیامت، از امور مربوط به این ساحت است؛ بنابراین رشد و ارتقای وجودی انسان در ارتباط با عالم معنا

۱. ر.ک: راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم، فصل سوم.

۲. ر.ک: مبانی و شیوه‌های طبقه‌بندی گزاره‌های اخلاقی در قرآن کریم و روایات، ص ۲۴۵.

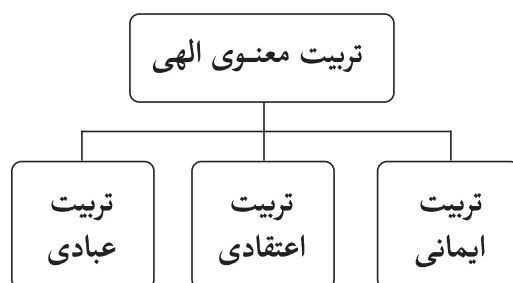


(فراماده، غیب عالم و ماورای طبیعت) تربیت معنوی نام دارد. این ساحت مشتمل بر تربیت اعتقادی، تربیت ایمانی و تربیت عبادی است.

◀ تربیت اعتقادی به معنای ایجاد ارتباط شناختی، باور راسخ و عقیده مستحکم به غیب عالم است.^۱

◀ تربیت ایمانی به معنای ایجاد ارتباط قلبی، معرفت شهودی و تعلق وجودی به آن عالم است.

◀ تربیت عبادی به معنای ایجاد تعامل رفتاری متناسب با آن باور و بندگی عملی است.



ادیان الهی و انبیای بزرگ پروردگار به معرفی خدا و غیب هستی پرداخته و این خبر بزرگ را برای بشر به ارمغان آورده‌اند. به همین سبب، تربیت معنوی وجه امتیاز نظامات دینی و غیردینی است؛ یعنی همه ساحت‌های دیگر (حتی ساحت خُلُق‌ی شخصیتی) که پس از این اشاره خواهد شد، بر فرض نبودن دین یا اعتقاد نداشتن به دین همچنان برقرار می‌ماند و در برابر باور دینی، خنثی و لا بشرط است؛ اما ساحت تربیت معنوی، تنها پس از باور به دین شکل می‌گیرد.

۱. «عقد» به معنای گره است و «اعتقاد» یعنی گره خوردن یک موضوع با وجود انسان. از آنجاکه انسان ساحت عقلی و قلبی دارد، اعتقاد نیز دو گونه است: عقدالعقل و عقدالقلب. عقدالعقل یعنی یک موضوع با ساحت عقلانی و شناختی انسان گره خورد و به شکل باور عقلانی و اعتقاد ذهنی درآید و عقدالقلب به این معناست که یک موضوع با جان انسان گره خورد و تبدیل به باور قلبی گردد. عقدالعقل در کلاس درس عقیدتی و با مطالعه، مباحثه و مواجهه با دلیل عقلانی حاصل می‌شود؛ اما عقدالقلب نیاز به ذکر و تکرار و عمل دارد (ر.ک: محمد عالم‌زاده نوری، راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم، فصل چهارم). از آنجاکه واژه «عقاید» بیشتر به اعتقادات عقلانی و کلاس‌های عقیدتی انصراف یافته و عقدالقلب نیز با ایمان مترادف است، ما در این جا «تربیت اعتقادی» را به معنای بالندگی عقلانیت و شناخت انسان از ماورای طبیعت و ایجاد عقدالعقل و باور ذهنی گرفته‌ایم و ایجاد عقدالقلب را «تربیت ایمانی» نامیده‌ایم.



عرفان اسلامی و مکاتب معنوی (مانند مکتب تربیتی نجف) عمدتاً بر همین ساحت معنوی و الهی متمرکزند و رشد و تعالی انسان در این ساحت را راهبری می‌کنند.

ب) تربیت فردی

ساحت فردی در تعلیم و تربیت، رشد، ارتقا و اعتلای همهٔ بینش‌ها، گراها و رفتارهایی که مستقیماً مربوط به خود شخص هستند را در بر می‌گیرد؛ مانند شناخت خود، علاقه به خود و توجه به خود. به بیان دیگر: مدیریت آگاهانهٔ حوزهٔ ارتباط با خود و رشد وجودی انسان در این تعامل، «تربیت فردی» نام دارد و مشتمل بر «تربیت فکری، ذهنی، عقلانی» و «تربیت خلقی، شخصیتی» و «تربیت زیستی، جسمی، بدنی» است.

◀ تربیت فکری، ذهنی، عقلانی به معنای سلامت و ارتقای توانمندی‌های شناختی است و شامل همهٔ قوای ادراکی از حس و خیال و وهم و عقل می‌شود. صفاتی مانند: ذکاوت، نوآوری و خلاقیت، قدرت حدس منطقی، تمرکز، کنترل خیال و پرهیز از آشفته‌فکری، دقت و موشکافی، انسجام ذهنی، آینده‌نگری و دوراندیشی، سرعت انتقال، حضور ذهن، قدرت تجزیه و تحلیل، حافظه قوی، حسن سلیقه، استقلال فکری و آزاداندیشی در این ساحت قرار دارد.

◀ تربیت خلقی شخصیتی به معنای ارتقای فضایل اخلاقی، صفات روحی، توانمندی‌های نفس، انفعالات نفسی و قوای فطری و غریزی است. این عرصهٔ تربیت، با قلب انسان مرتبط است و قلب کانون احساس یعنی معرفت حضوری است. معرفت حضوری مایهٔ انفعال نفس و ایجاد انگیزه و حرکت است؛ بنابراین همه امیال، گرایش‌ها، عواطف، هیجانات و انفعالات، ناشی از شناخت حضوری یعنی حضور جان در متن واقع و ادراک بی‌واسطهٔ حقایق است. محبت، نفرت، شوق، رضایت، کراهت، حسرت، حیرت، اضطراب، کسالت، شرم، غم، امید، یأس، شادی، ترس، خشم، تعجب، ندامت، خضوع، فخر و مانند آن، همه ناشی از درک حضوری است و طبعاً منشأ انگیزه و عمل می‌گردد.

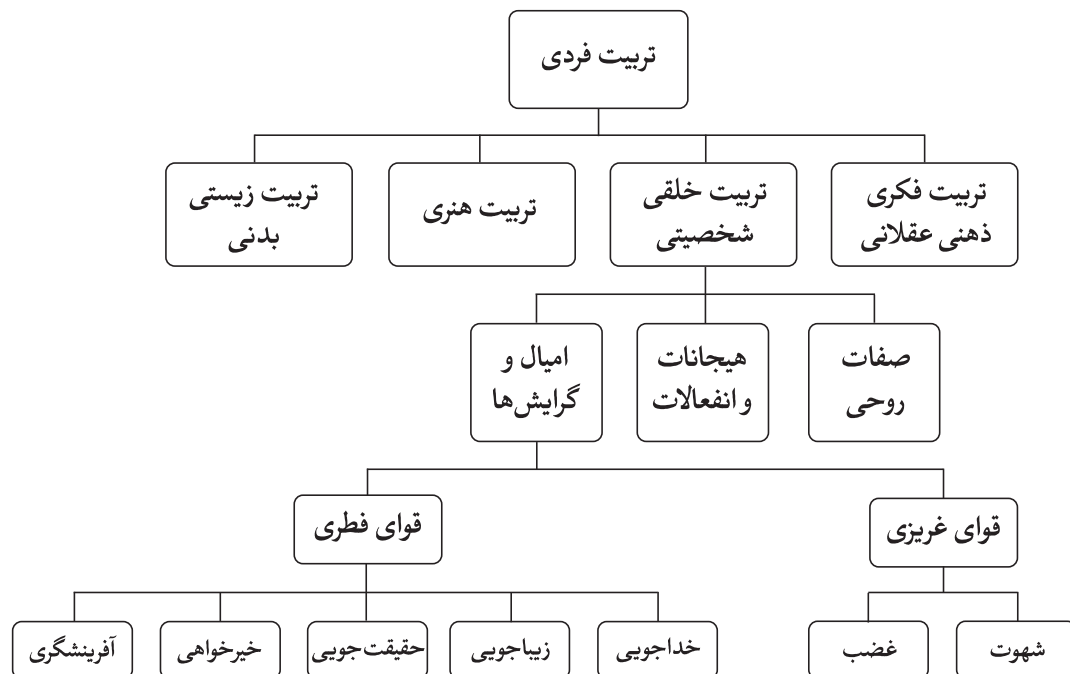
این حالات و هیجانات در مواردی کاملاً انفعالی و غیراختیاری، و در مواردی فعال و ارادی‌اند؛ یعنی ایجاد، تقویت، از بین بردن یا کنترل آنها، مستقیم یا غیرمستقیم تحت اختیار انسان است. مصادیق ارادی این هیجانات در محدوده و شرایطی، مثبت و قابل



توصیه و در محدوده و شرایط دیگر، منفی و قابل نکوهش است (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۷) که تعیین حدود خوب و بد آن بر عهده علم اخلاق است. بی شک در مواردی که این هیجانات کاملاً غیرارادی هستند، ستایش و نکوهش یا حکم خوب و بد درباره آنان راه ندارد و در مواردی که ارادی هستند، باید مدیریت و تربیت شوند که به ایجاد ملکات پایدار در نفس می انجامد. به این ترتیب تربیت غریزی یعنی تعدیل قوای حیوانی (شهو و غضب) در این بخش قرار می گیرد. همچنین تقویت قوای فطری و گرایش های عمیق انسانی، یعنی گرایش به دانستن و حقیقت جویی (که منشأ پیدایش علوم است)، گرایش به پرستش و کرنش در مقابل قدرت متعالی (که منشأ پیدایش ادیان است)، خیرخواهی و گرای به خوبی ها (که منشأ پیدایش اخلاق است)، زیبایی دوستی (که منشأ پیدایش هنر است) و گرایش به آفرینش (که منشأ پیدایش تمدن، صنعت و فناوری است)، همه در همین بخش مندرج است. ما از این میان، بُعد هنری را به سبب اهمیت ویژه آن به شکل مستقل بی می کنیم.

◀ تربیت هنری که به معنای عام خود ذیل تربیت خلقی شخصیتی قرار می گیرد، عبارت است از ارتقای توانمندی های شناختی، گرایشی و رفتاری در برابر هنر و پدیده های زیبا. زیبایی شناسی، زیبایی دوستی و توان خلق زیبایی مطلوبیت هایی هستند که نیاز به تربیت دارند و به مرور در جان انسان پدید می آیند یا تقویت می گردند. این که انسان دارای ذوق سلیم، طبع مستقیم، لطافت روح و سلیقه خوش باشد و از خشکی طبع و زمختی قریحه فراتر آمده باشد، زیبایی را درک کند، از آن لذت ببرد و در مقابل یک اثر هنری زیبا سرمست شود و ظرفیت آفرینش برخی از زیبایی های ظریف را داشته باشد، کمالی است خواستنی و یافتنی که نباید آن را صرفاً یک مهارت ابزاری برای ارائه اثرگذار مطالب به دیگران تلقی کرد. انسان همان زمان که در خلوت تنهایی است و با خود سر می کند، نیاز به این کمال دارد و از لطافت طبع و قریحه خوش خود بهره مند می گردد.

◀ تربیت زیستی جسمی به معنای ارتقای توانایی های جسمی و قوای فیزیکی است. سلامت، چالاکی، ورزشی، نشاط و قدرت بدنی ویژگی هایی است که با تربیت جسمی به دست می آیند.



ج) تربیت اجتماعی

ساحت جمعی در تعلیم و تربیت، به معنای ارتقای ارتباط انسان با انسان‌های دیگر است و همهٔ اموری را که بی‌واسطه به رابطهٔ شخص با اشخاص دیگر مربوط می‌شوند، در بر می‌گیرد. این امور شامل شناخت افراد و گروه‌های دیگر، گرایش مثبت یا منفی به آنها و انواع رفتار با آنها می‌شود. تربیت اجتماعی مشتمل بر دو عرصه است: «ارتباط فرد با سایر افراد» و «ارتباط فرد با کلیت جامعه به صورت یک پارچه». در هر یک از این دو عرصه لازم است مربی رشد کند و توانایی‌هایی به دست آورد.

عنوان «تربیت اجتماعی» در مواجههٔ نخست معمولاً به ارتباط فرد با فرد منحصر می‌شود؛ حداکثر این‌که افراد خاص (خویشان، معلمان، همسایگان، حاکمان و ...) احکام بیشتری یا شدیدتری دارند.^۱ از میان این افراد خاص، ارتباط با اعضای خانواده (پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر، فرزند و ارحام و خویشان دیگر) نیاز به تأکید و تبیین بیشتر دارند و مشمول احکام

۱. شناخت حقوق متقابل در روابط اجتماعی، پرورش گرایش به برقراری روابط سالم و رعایت حقوق اجتماعی، از جمله امور مربوط به ساحت اجتماعی تربیت است. پیوستگی زیاد ساحت‌های فرهنگی و اجتماعی و تلقی‌های متفاوت و نزدیک به هم از این دو ساحت، تعیین حدود مرزی میان آنها را در برخی مصادیق با دشواری روبه‌رو می‌کند. به این جهت ترجیح دادیم این دو ساحت را در یکدیگر تلفیق کنیم و ذیل عنوان «ساحت فرهنگی، اجتماعی» به همه مصادیق مزبور اشاره کنیم (رک: فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۳۴).

خاص هستند و به همین دلیل عنوان مستقل «تربیت خانوادگی» به آن اختصاص یافته است. هم‌چنین تربیت اجتماعی شامل «تربیت اقتصادی» می‌شود. روابط اقتصادی، روابط مبتنی بر مالکیت است که شامل کسب درآمد، افزایش ثروت، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، عقد قراردادهای مالی و نیز مصرف، انفاق، پرداخت مالیات و مشارکت در هزینه‌ها و مخارج است. این ساحت هم به استقلال ذکر شده است.

معارف انقلاب اسلامی و مکتب امام خمینی رحمه‌الله‌ علیه این تصویر ابتدایی از تربیت اجتماعی را در چند مرحله توسعه بخشیده است.

اولین توسعه، توسعه از فرد به جامعه است؛ یعنی ما همان‌گونه که در برابر آحاد و افراد انسان‌ها مسئولیت داریم، باید خود را در برابر «جامعه با صورت ترکیبی و هیئت اجتماعی‌اش» مسئول بدانیم. دسه‌ای از وظایف ما به این قلمرو بازمی‌گردد و فارغ از آحاد انسان‌ها به روابط و مناسبات میان آنها می‌پردازد؛ مثلاً قانون‌مداری، مستیزی، دخالت در تعیین سرنوشت اجتماعی و تلاش برای سمت محیط اجتماع، وظایفی است که مستقیماً به کلیت جامعه مربوط است و البته با واسطه به آحاد انسان‌ها نیز مرتبط می‌گردد؛ بنابراین برخلاف تصور اولیه، وظیفه اجتماعی انسان در «خدمت فردی به دیگران»، «کمک به مستمندان» و نهایتاً «امر به معروف، نهی از منکر و ارشاد جاهل» منحصر نمی‌شود؛ بلکه انسان مؤمن در برابر کلان‌جامعه و جامعه‌سازی نیز وظیفه دارد. «تربیت سیاسی انقلابی» اشاره به این عرصه است.

توسعه دوم در محور تربیت اجتماعی، توسعه از جامعه خود با مرزهای اعتباری جغرافیایی به کل جهان است؛ یعنی علاوه بر وظیفه در برابر آحاد انسان‌ها و در برابر هم‌میهنان و اطرافیان، در برابر امت اسلامی در سراسر جهان؛ بلکه در برابر همه انسان‌ها بر روی کره خاکی وظیفه‌ای داریم. پیامبر اکرم صلی‌الله‌ علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۲)؛ هرکس درحالی صبح کند که دغدغه و نگرانی امور مسلمانان را ندارد، مسلمان نیست. در این حدیث «امور مسلمانان» را می‌توان به زندگی دشوار مستمندان یک محله یا وضعیت ناگوار یک روستای دورافتاده کاهش داد؛ چنان‌که می‌توان این کلمه را به مسائل امت اسلامی در لبنان و فلسطین، سوریه و عراق، یمن و حجاز، اروپا و آمریکا و... توسعه بخشید.

توسعه سوم در تفکر اسلامی و معارف مکتب امام خمینی رحمه‌الله‌ علیه توسعه در امتداد زمان است؛ یعنی مسئولیت‌های انسان به افراد انسان و اجتماعات بشری در زمان حاضر منحصر



نیست. هر مسلمانی در برابر نسل‌های آینده تاریخ و آینده جامعه انسانی مسئول است و باید در مسیر اصلاح جریان تاریخ به سوی آینده‌ای روشن بکوشد.

خلاصه این‌که انسان اختیار تأثیرگذاری بر روابط حاکم بر «جامعه» و نیز توان نقش‌آفرینی در «جهان» و در «تاریخ» را دارد. به همین سبب سخن از وظایف انسان برای ساخت جامعه و مناسبات نهادهای مدنی و نیز در برابر تاریخ بشری و تمدن آینده رواست و قطعاً در قلمرو مباحث اخلاقی و تربیتی می‌گنجد. از این رو توجه تفصیلی به این حوزه‌ها و جدا کردن آنها با عنوانی مستقل مانند «تربیت سیاسی»^۱ و «تربیت تمدنی» مناسب است.

توسعه چهارم، توسعه مسئولیت‌ها از فرد به جامعه است؛ یعنی نه تنها آحاد انسان ر اساس توان محدود خود مکلف به تکالیفی هستند، بلکه امت‌ها نیز با توان جمعیت بی‌کران خود مسئولیت‌هایی دارند. وظیفه انسان‌ها تنها بر توان فردی آنان مبتنی نیست؛ عزم و اراده جمعی نیز موضوع برخی تکالیف است. به بیان دیگر: انسان‌ها در پیوند با هم می‌توانند (و چون می‌توانند موظف‌اند) کارهای بزرگی را انجام دهند؛ درحالی‌که اگر این پیوندها در نظر گرفته نشود، به مصداق قاعده «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» افراد، تکلیفی ندارند؛ زیرا مسئولیت‌های بسیار بزرگ غالباً از توان فردی انسان‌ها خارج است و طبعاً نمی‌توان کسی را بدان مکلف ساخت؛ اما بر اساس نگرش اجتماعی اسلام و مکتب امام خمینی رحمه‌الله‌ علیه در این شرایط باید به یک توان بزرگ و البته پنهان توجه کرد و ظرفیت جمعی، تاریخی و امتی را فعال ساخت. در این صورت مسئولیت بر دوش همگان است و هیچ‌کس عذری برای شانه تهی کردن ندارد.^۲

انسان مؤمن که اخلاقاً موظف است اراده خود را تابع اراده پروردگار قرار دهد و در اراده

۱. روابط سیاسی به آن دسته از روابط اطلاق می‌شود که محور آن قدرت و حاکمیت است. رابطه میان مردم و دولتمردان و نیز روابط دیپلماتیک میان دولتمردان کشورهای مختلف در زمره روابط سیاسی قرار می‌گیرد.

۲. کارهای بسیار بزرگ و تکالیف فوق‌سنگین از توان آحاد انسان‌ها خارج است. برای این منظور لازم است اراده جمعی امت اسلامی و عزم تاریخی واحد شکل بگیرد؛ مثلاً وظیفه محو نظام سلطه و اهتزاز پرچم لا اله الا الله در سراسر جهان وظیفه‌ای تاریخی و اجتماعی است که از توان افراد خارج است؛ در عین حال اراده الهی به آن تعلق گرفته و خلقت و بعثت یعنی نظام تکوین و تشریع به سوی آن جهت یافته است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند (توبه، ۳۳؛ صف، ۹). «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُلاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را پرستید و از پرستش طاغوت اجتناب کنید (نحل، ۳۶).



او فانی کند،^۱ باید غایت اصلاح کل زمین را مدنظر قرار دهد و به سوی آن حرکت کند. برای انجام این مأموریت کلان تاریخی و رسالت الهی، تشکیل امر یک پارچه اسلامی و اعتلای جبهه اهل ایمان در مقابل طواغیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ضروری است. مقدمه انجام چنین وظیفه بزرگی «تربیت جمعی و تشکیلاتی» است.

تربیت اجتماعی شامل «تربیت صنفی حرفه‌ای و رسالتی» نیز می‌شود. این ساحت ناظر به وظایفی است که انسان در ایفای یک نقش اجتماعی و حضور در یک عرصه خدمتی دارد؛ یعنی لازم است هر کس در قبال خدمات فراوانی که از دیگران دریافت می‌کند، خدمتی هم ارائه کند. انسان‌ها در نظام تقسیم کار و توزیع نقش‌های اجتماعی یک عرصه خاص را به عنوان مأموریت صنفی برمی‌گزینند؛ به شکل تخصصی در آن آموزش می‌بینند و سپس در آن عرصه خدمت می‌کنند. این ساحت برخلاف همه ساحت‌های گذشته، مشترک نیست و مایه تمایز میان اصناف مختلف می‌شود؛ یعنی در این ساحت، اصناف اجتماعی مختلف با همدیگر متفاوتند؛ مثلاً پزشکان برای پزشکی آموزش می‌بینند و در همین زمینه خدمت می‌کنند. مهندسان برای کار مهندسی آموزش‌های تخصصی می‌بینند و در همین زمینه خدمت می‌کنند و طلاب علوم اسلامی خدمات مرتبط با شناخت، تبلیغ و اقامه دین را برگزیده‌اند و در همین زمینه تحصیل تخصصی دارند.



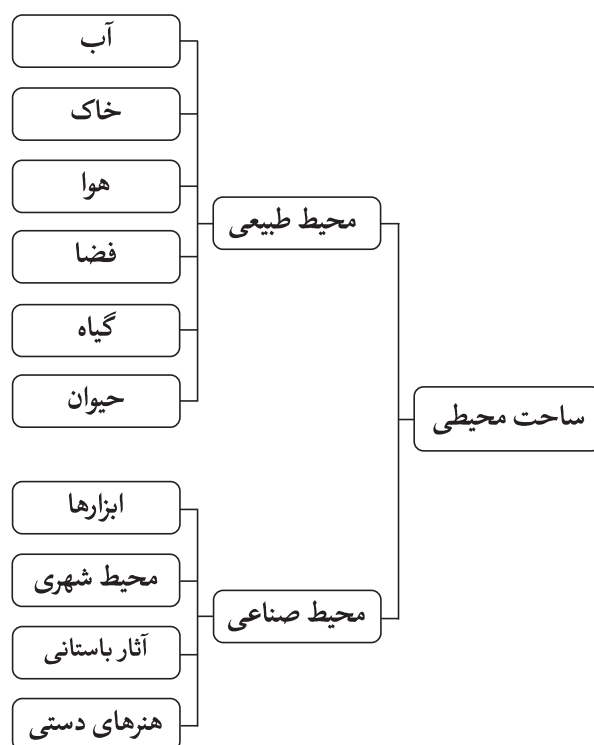
۱. اراده خدای متعال حاکمیت دین و بندگان صالح و متقی در سراسر زمین است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵)؛ «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف، ۱۲۸)؛ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵).





د) تربیت محیطی

ساحت محیطی، حوزه‌ای از تربیت است که به پرورش بیند ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان در ارتباط با محیط زیست طبیعی و مصنوعی پیرامون او می‌پردازد. مقصود از طبیعت، همه موجودات عالم طبیعت به جز انسان‌هاست و شامل عناصر و جمادات (آب، خاک، هوا، فضا و اجسام)، گیاهان و حیوانات می‌شود. مقصود از محیط مصنوعی هم همه دستاوردهای تلاش انسان مانند شهرسازی، تمدن، فن‌آوری و ابزارهاست؛ بنابراین شناخت وظایف انسان در برابر محیط پیرامونی، پرورش حس مسئولیت در قبال منابع طبیعی، محیط شهری، آثار باستانی، هنرهای دستی، ابزارهای فناوری و سایر مصنوعات بشری و استفاده درست از آنها، به تربیت در ساحت محیطی مربوط است. از آنجاکه این ساحت را هم مشتمل بر محیط زیست طبیعی و هم شامل عناصر مصنوعی و دست‌ساز بشر دانسه ۱۴ می‌توانیم از آن به ساحت زیست محیطی تعبیر کنیم. به همین جهت عنوان عام ساحت محیطی را انتخاب کردیم.



از جمع همه مطالب پیشین، ۱۴ ساحت تربیتی به شرح زیر حاصل خواهد شد:

اقسام ارتباط	ساحت‌های تربیت	توضیح
ارتباط با مبدأ هستی و عالم معنا	تربیت معنوی الهی	ارتقای ارتباط شناختی با خدا و عالم معنا و ایجاد باور راسخ و عقیده مستحکم به عالم غیب
	تربیت ایمانی	ارتقای ارتباط قلبی با خدا و عالم معنا و معرفت شهودی و تعلق وجودی به عالم غیب
	تربیت عبادی	ارتقای ارتباط عملی با خدا و عالم معنا با هدف بندگی عملی
ارتباط با خود	تربیت فکری ذهنی عقلانی	ارتقای توانمندی‌های شناختی، ارتقای فضایل عقلانی و سلامت قوای ادراکی و ذهنی
	تربیت خلقی شخصیتی	ارتقای قوای شخصیتی و نفسی و فضایل اخلاقی، صفات روحی، غریزی و فطری
	تربیت هنری	ارتقای شناخت، گرایش و مهارت‌های مرتبط با امور هنری و پدیده‌های زیبا
	بیت زیستی بدنی	ارتقای توانایی جسمی و قوای فیزیکی
ارتباط با انسان‌ها	تربیت اجتماعی فرهنگی	ارتقای ارتباط با سایر افراد و آحاد انسان‌ها و الزامات محیطی آن
	تربیت خانوادگی	ارتقای ارتباط با خانواده و اعضای آن
	تربیت اقتصادی معیشتی	ارتقای ارتباط با ثروت، تولید و مصرف
	تربیت جمعی تشکیلاتی	ارتقای ارتباط با جماعات انسانی و گروه‌های تشکیلاتی
	تربیت صنفی رسالتی	ارتقای ارتباط با نقش و هویت صنفی و مأموریت اجتماعی و عرصه خدمت اختصاصی
	تربیت یاسی انقلابی تمدنی	ارتقای ارتباط با «جامعه» بزرگ انسانی، «جهان» و فردای «تاریخ»
ارتباط با مخلوقات دیگر	تربیت محیطی	ارتقای ارتباط با محیط زیست طبیعی و مصنوعات بشری



محورهای ذیل هر ساحت

مهم‌ترین محورهای ذیل هر ساحت به شرح زیر است:

ساحات	موضوعات و محورها	شناخت	گرایش	رفتار و مهارت
تربیت معنوی الهی ^۱	تربیت ایمانی	۱. خدا، صفات و افعال خدا و ارتباط خدا با مخلوقات (اخلاق بندگی در این بخش جای دارد) ۲. پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام ۳. فرشتگان ۴. معاد		
	تربیت اعتقادی	۱. هدف زندگی (خودشناسی در نظام آفرینش) ۲. معارف قرآن و حدیث ۳. نظام عقیدتی و معرفتی		
	تربیت عبادی	برنامه سلوک عبادی ۱. واجبات، فقه و احکام شرعی ۲. مراقبات، اذکار، ادعیه، مناسک و مستحبات ۳. زیارت، مرثیه، توسل به اهل بیت علیهم‌السلام		



۱. شاید به نظر برسد که تقسیم این ساحت به ایمانی، اعتقادی و عبادی با تقسیم به شناخت و گرایش و رفتار تداخل دارد. اما باید توجه کرد که اولاً این ساحت مهم‌ترین ساحت از حیث رتبه و ارزش است و تفصیل هرچه بیشتر در آن مطلوب است. ثانیاً عرصه شناخت در تربیت ایمانی عبارت است از شناختن معنا و ضرورت ایمان و عوامل ایجاد، حفظ و تقویت آن. گرایش در تربیت ایمانی شامل علاقه به ایمان (زینة فی قلوبکم) و دلدادگی به خدا و اهل بیت است و رفتارهای مرتبط با تربیت ایمانی هم شامل همه تلاش‌هایی است که به ایجاد، حفظ و تقویت ایمان می‌انجامد. به همین ترتیب شناخت در تربیت اعتقادی، شامل شناخت اعتقادات موردنیاز است. گرایش در تربیت اعتقادی علاقه به پی‌گیری و کسب اعتقاد سالم و رفتارهای آن هم از مقوله تلاش‌هایی است که موجب ایجاد و تقویت اعتقاد می‌شود. نیز شناخت در تربیت عبادی به معنای شناختن انواع عبادات و برنامه‌های سلوکی است. گرایش در آن به معنای انس و علاقه به عبادت و رفتار آن نیز به اصل اجرای عبادات و مناسک است.

ساعات	موضوعات و محورها	شناخت	گرایش	رفتار و مهارت
تربیت فردی	تربیت خلقی-شخصیتی	۱. فضایل اخلاقی و صفات نفسانی ۲. مسایل عاطفی احساسی هیجانی و تعدیل قوا (مدیریت نفس) ۳. سلامت روانی و مباحث مشاوره‌ای ۴. صفات و گرایش‌های فطری (کمال‌خواهی، خیر و فضیلت‌جویی، علم و حقیقت‌جویی، آفرینشگری و نوآوری) ۵. برنامه‌ریزی و مدیریت زمان، تعهد، وظیفه‌شناسی و رسالت‌مندی		
	تربیت هنری	زیبایی‌شناسی، زیبایی‌دوستی، آفرینش زیبایی		
	تربیت فکری-ذهنی-عقلانی	۱. تفکر، تدبیر و تعقل ۲. کنترل قوای ادراکی، نفی خواطر، تمرکز، دقت و حافظه ۳. تصمیم‌گیری، حل تعارض و حل مسئله ۴. تجزیه و تحلیل و نقد ۵. خلاقیت ۶. ذکاوت، سرعت انتقال و آینده‌نگری		
	تربیت زیستی-بدنی	۱. تغذیه ۲. ورزش ۳. خواب و استراحت ۴. تفریح و نشاط، اوقات فراغت ۵. بهداشت ۶. سلامت و درمان		





ساحات	موضوعات و محورها	شناخت	گرایش	رفتار و مهارت
تربیت اجتماعی	تربیت اجتماعی فرهنگی	۱. اخلاق اجتماعی؛ عدالت، احسان، ایثار، نصیح، خدمت، تواضع و مردمی بودن و ... ۲. آداب معاشرت اجتماعی ۳. زی طلبگی و حجره نشینی ۴. مهارت تعامل، اثرگذاری و ارتباط با انواع مخاطبان ۵. جریان سازی و گفتمان سازی، امر به معروف و حضور اجتماعی ۶. سواد رسانه و فضای مجازی ۷. قانون و حقوق اجتماعی		
	تربیت خانوادگی	۱. تشکیل خانواده و انتخاب همسر ۲. دوران عقد ۳. همسر داری و حراست از خانواده ۴. فرزند آوری و تربیت فرزند ۵. ارحام		
	تربیت جمعی تشکیلاتی	۱. فعالیت جمعی، تیمی، تشکیلاتی و جبهه ای ۲. فعالیت مردمی و جهادی		
	تربیت سیاسی انقلابی تمدنی	۱. ارتباط با جامعه جهانی و آینده تاریخ انسانی ۲. رابطه با ولیّ جامعه (امام معصوم یا نایب او) ۳. مقابله با طواغیت و نظام سلطه ۴. انقلاب اسلامی و مکتب امام ۵. جبهه تاریخی حق و باطل، آینده پژوهی و مهدویت ۶. تمدن و پدیده های اجتماعی تمدنی		

ساحات		موضوعات و محورها	شناخت	گرایش	دقت و مهارت
تربیت اجتماعی	تربیت اقتصادی معیشتی	۱. رابطه با دنیا ۲. درآمد و ثروت (کارآفرینی، اشتغال، تدبیر معیشت و سرپرستی خانواده) ۳. مصرف (نظام هزینه‌ها، انفاق ...)			
	تربیت هویتی رسالتی صنفی	۱. حوزه و هویت طلبگی ۲. تحصیل علوم حوزوی (صرف و فقه و فلسفه و ...) و رابطه آن با کارکرد حوزوی ۳. تحصیل مهارت‌ها و هندسه مهارتی ۴. استعدادیابی ۵. کارویژه‌ها و مأموریت‌های روحانیت (تعلیم و تدریس، تبلیغ ترویج، پژوهش، تربیت، راهبری و مدیریت)			
تربیت محیطی	تربیت محیطی	۱. محیط زیست طبیعی ۲. محیط زیست صناعی			

رویکردهای حاکم بر همه ساحات‌های تربیت

مان‌گونه که ملاحظه می‌شود «ساحت دینی» در تقسیم‌بندی بالا در عرض ساحات‌های دیگر قرار نگرفته است؛ زیرا دین به تمام ساحات‌های تربیت، اعم از تربیت معنوی، فردی و اجتماعی نظر دارد و به ساحت خاصی محدود نیست؛ یعنی اسلام حاوی آموزه‌ها و دستورالعمل‌های فراوانی در همه ساحت‌های تربیتی است و عملیات تربیت در همه آنها باید اسلامی و دینی باشد؛ بنابراین دین نه یک ساحت در کنار ساحات‌های دیگر که یک رویکرد حاکم بر همه ساحات‌هاست و «اسلامی بودن» قیدی برای دستگاه جامع تربیتی است.



به همین منطق «ساحت اخلاقی» هم به استقلال بیان نشده است؛ زیرا اگر اخلاق را به معنای نظام ارزش‌ها بدانیم همه ساحت‌های تربیت باید ناظر به ارزش‌های انسانی شکل گرفته باشد و زیر چتر شامل اخلاق و ارزش‌ها باشد؛ یعنی اخلاق باید در تمام آنها به شکل مقسمی و منتشر حضور داشته باشد و بر همه دستگاه تربیتی حاکم باشد؛ هم ویژگی‌های فردی ما باید اخلاقی باشد، هم روابط اجتماعی ما، و هم فعالیت‌های جمعی و تشکیلاتی و اقتصادی و خانوادگی و صنفی ما. بله اگر مراد از اخلاق، صفات و ویژگی‌های شخصیتی و روانی باشد در ساحت تربیت خلقی شخصیتی لحاظ شده است. به این ترتیب اخلاق بندگی ذیل ساحت ارتباط با خدا قرار می‌گیرد. اخلاق فردی ذیل ارتباط با خود و اخلاق اجتماعی ذیل ارتباط با دیگران.

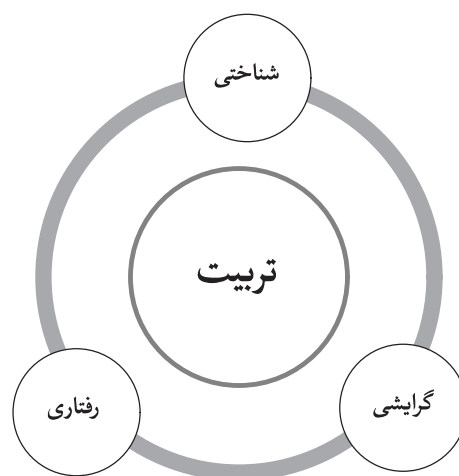
در جدول بالا سخنی از «سبک زندگی» نیز نیامده است؛ زیرا سبک زندگی هم یک رویکرد و یک عنوان حاکم است که در همه ساحت‌های تربیت جاری است. سبک زندگی فردی، سبک زندگی معنوی عبادی، سبک زندگی اجتماعی، سبک زندگی اقتصادی، سبک زندگی حرفه‌ای صنفی و مانند آن.

نیز در جدول بالا عنوان تربیت فطری نیامده است؛ زیرا اگر مراد از تربیت فطری، ارتقای قوای فطری و گرایش‌های انسانی است که مربوط به ارتباط انسان با خود می‌شود و ذیل تربیت خلقی شخصیتی قرار می‌گیرد و اگر منظور از آن تربیتی است که بر مبنای فطرت انسان رقم خورده و با سرشت اولیه او سازگار و هماهنگ است، در همه ساحت‌ها باید مراعات شود و در عرض آنها قرار نمی‌گیرد.

تربیت دینی اسلامی الهی قدسی
تربیت قرآنی حدیثی
تربیت ولایی اهل‌بیتی
تربیت عاشورایی حسینی مهدوی
تربیت اخلاقی ارزشی
تربیت حماسی جهادی
تربیت فطری انسانی

به همین شکل می‌توان هر یک از اوصاف زیر را رویکرد حاکم بر تربیت دانست که در همه ساحت‌ها باید لحاظ شوند: تربیت قرآنی، ولایی، حسینی، عاشورایی، مهدوی، حماسی. حتی وصف انقلابی و تمدنی هم می‌تواند یک رویکرد و وصف حاکم داشته باشد که همه شئون تربیت با لحاظ آن محقق شود.

تربیت علمی را هم در ساحت‌های تربیت ذکر نکردیم؛ زیرا اگر مراد از «تربیت علمی» افزایش توانمندی‌های ذهنی فکری و عقلانی باشد، ذیل «ساحت ذهنی فکری عقلانی» آمده است. اگر مراد از آن، افزایش اطلاعات و کسب دانش و معرفت باشد، در همه ساحت‌های تربیت، دانش و معارف فراوان موردنیاز است و در عرض آنها جای نمی‌گیرد؛ بلکه در ستون شناخت‌ها و در مقابل همه ردیف‌ها قرار دارد و اگر مراد از آن کسب علوم تخصصی حوزوی و مهارت‌های تحصیلی و پژوهشی موردنیاز عالمان دین باشد، در «ساحت صنفی و رسالتی» بدان پرداخته می‌شود؛ زیرا هر کس در هر صنف و حرفه‌ای که خدمت می‌کند، باید دانش و مهارت موردنیاز همان صنف را کسب کند. پس عالمان دین باید علاوه بر دانش‌های موردنیاز شخصی در ساحت‌های مختلف برای ارائه خدمات حوزوی، دانش دین را به شکل تخصصی کسب کنند و مهارت‌های دانش‌آموزی، آموزگاری و پژوهش را مسلط باشند.



هم‌چنین تربیت رفتاری و گرایشی را به استقلال در ساحت‌های تربیت ذکر نکردیم؛ زیرا تربیت رفتاری به معنای افزایش قدرت عمل و تقویت اراده، ذیل تربیت خلقی شخصیتی قرار دارد؛ کما این‌که تربیت گرایشی به معنای تسلط بر خواسته‌های نفس و مهارت‌های درونی نیز از ویژگی‌های خلقی و شخصیتی است. در ضمن این دو نیز مانند تربیت علمی بعدی از ابعاد تربیت به شمار می‌روند و در همه ساحت‌ها جاری هستند؛ بنابراین در عرض آنها جای نمی‌گیرند:



رتار	گرایش	شناخت	حت های تربیت	
			تربیت اعتقادی	۱
			تربیت ایمانی	۲
			تربیت عبادی	۳
			تربیت فکری ذهنی عقلانی	۴
			تربیت خلقی شخصیتی	۵
			تربیت هنری	۶
			تربیت زیستی بدنی	۷
			تربیت ۱ تماعی فرهنگی	۸
			تربیت خانوادگی	۹
			تربیت اقتصادی معیشتی	۱۰
			تربیت جمعی تشکیلاتی	۱۱
			تربیت صنفی رسالتی	۱۲
			تربیت سیاسی انقلابی تمدنی	۱۳
			تربیت محیطی	۱۴

برخی تطبیقات

به جهت آشنایی با منطق این تقسیم بندی، جایگاه برخی از کمالات و فضایل را که در فرایند تربیت باید در جان طلبه پدید آید مشخص می سازیم:

◀ فضیلت دانایی در همه ساحت ها مندرج است و مصداق دارد. دانایی در ارتباط با خدا، در تعامل با مردم و در مدیریت نفس خویش. البته معمولاً دانایی را در حیطه مأموریت تخصصی و رسالت صنفی به کار می برند؛ بنابراین طلبه عالم، کسی است که علوم تخصصی حوزوی را مسلط باشد؛ تصویر جامعی از منظومه معارف دینی داشته باشد و بتواند به رسالت صنفی خود عالمانه و متخصصانه بپردازد. اگر ستون شناخت را در همه ساحت ها تکمیل کنیم، هندسه معرفتی طلبه (مجموع دانایی های مورد نیاز طلبه) ترسیم خواهد شد.

◀ فضیلت تقوا اگر به معنای لغوی در نظر گرفته شود و از آن قدرت تسلط بر نفس و خویش منداری اراده شده باشد، یک فضیلت فردی است که انسان در مواجهه با قوای خود باید به آن آراسته باشد؛ اما در فرهنگ اسلامی تقوای الهی توصیه شده است و تقوای الهی خودنگهداری به ملاحظه حضور خدا و حفظ حریم پروردگار است. بنابراین ذیل اخلاق بندگی و فضایل ساحت الهی و معنوی قرار می‌گیرد.

◀ فضیلت ساده‌زیستی را می‌توان در ساحت فردی و ذیل صفاتی مانند زهد و قناعت در نظر گرفت؛ و می‌توان در ساحت اقتصادی و ارتباط با ثروت و مالکیت و از مهارت‌های مصرف کردن قرار داد.

◀ فضیلت عزت نفس یک فضیلت فردی است که البته نتایج و بروزات اجتماعی دارد. فضیلت مردمی بودن یک فضیلت اجتماعی است. روحیه خدمتگزاری به دیگران و تواضع در مقابل مردم تنها در ارتباط با دیگران مصداق دارد.

◀ فضیلت مسئولیت‌شناسی و وجدان کاری یک فضیلت فردی است.

◀ فضیلت دین‌مداری و غیرت دینی یک فضیلت الهی معنوی است که ناشی از توجه به خدا و حفظ حرمت او و غیرت در قبال امر و نهی و احکام الهی است.

◀ زمان‌شناسی، بصیرت، پایبندی به نظام اسلامی، التزام به آرمان‌های امام و شهدا و اعتقاد به ولایت فقیه به ساحت تربیت سیاسی انقلابی تمدنی مربوط است.

◀ توان جذب جوانان و قدرت تبلیغ جذاب ذیل ساحت صنفی و از دست‌های طلبگی است.

◀ خردمندی و قدرت تدبیر را در ساحت تربیت ذهنی فکری و عقلانی در نظر گرفته‌ایم.

ارزش و رتبه ساحت‌ها در یک نظام متوازن

پس از شناخت ساحت‌های تربیت لازم است ارزش رتبی هر یک از این ساحت‌ها را نیز بشناسیم؛ یعنی بدانیم که از این جدول پرمؤلفه، کدام خانه ضریب اهمیت و ارزش بالاتری دارد و لازم است بدان اهتمام بیشتری بورزیم؟ به عبارت دیگر بخواهیم این ساحت‌ها را وزن‌کشی کنیم و جایگاه ارزشی آنها را به شکل مقایسه‌ای بسنجیم، کدام یک در رتبه بالاتری قرار خواهد گرفت و امتیاز بالاتری کسب خواهد کرد؟



برخی در این جا به اهمیت تربیت خلقی و شخصیتی تأکید ورزیده‌اند.^۱ برخی نیز تربیت فکری و عقلانی را دارای برترین اهمیت دانسته‌اند.^۲ کسانی دیگر نیز معتقدند تربیت معنوی (با همه اجزا و اضلاعش) نسبت به سایر ساحت‌های تربیت اهمیت بالاتری دارد؛ زیرا ارزش انسان به ایمان و معنویت است و اگر این ارزش اساسی نباشد، همه کمالات دیگر پوچ و تهی‌مایه خواهد بود. این روح معنوی و صبغه الهی، مایه احیا و ابقای سایر کمالات است.^۳ برای بررسی عالمانه این بحث لازم است دو سؤال را از هم تفکیک کنیم:

اول این‌که کدام یک از این ساحت‌ها به‌واقع رتبه و ارزش بالاتری دارد؟ (ارزش اخلاقی) دوم این‌که در مقام تربیت کدام یک از این ساحت‌ها را باید مقدم ساخت؟ (ارزش تربیتی) سؤال اول از اولویت و سؤال دوم از اولویت (یعنی مراحل تکوین خارجی) است. این‌که درواقع یکی از ساحت‌ها ارزش بالاتری دارد الزاماً به این معنا نیست که در مقام تحقق هم مقدم شود. چه‌بسا لازم باشد در تربیت به یکی از این ابعاد یا ساحت‌ها زودتر از بقیه بپردازیم، در لی‌که ارزش پایین‌تری دارد.

آنچه ذیل عنوان «اهداف تربیت» مطرح می‌شود همان سؤال اول یعنی اولویت رتبی و درجه ارزش واقعی این ساحت‌هاست. اما سؤال دوم ذیل «مراحل تربیت» جای دارد و در جای دیگری باید بدان پرداخت.

منابع

* قرآن کریم.

** نهج‌البلاغه.

۱. اسکافی، محمد بن همام (۱۴۰۴ق)، التمهیص، چاپ اول، انتشارات مدرسه امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، قم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، چاپ دوم، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۳. منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام (۱۳۸۱ش)، مصباح‌الشریعه، چاپ چهارم، صلاة، قم.

۱. مثلاً شهید مطهری بر «کرامت نفس» به عنوان مرکز ثقل اخلاق اسلامی و عنصر راهبردی بنیادین در تربیت اخلاقی پای فشرده است. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (فلسفه اخلاق)، ج ۲۲، ص ۴۰۹، ص ۳۹۴ و ص ۴۰۶.

۲. ر.ک: علی صفایی حائری؛ مسئولیت و سازندگی؛ فصل سوم و چهارم. ایشان البته تربیت عقلانی را صرفاً به معنای مهارت‌های ذهنی و توانمندی‌های فکری نمی‌دانند؛ بلکه محتوای اعتقادی را نیز در آن اشراک کنند.

ر.ک: محمد عالم‌زاده نوری؛ راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم؛ فصل سوم.





۴. گروه نویسندگان زیر نظر آیت الله مصباح یزدی (۱۳۹۴ ش)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ سوم، مؤسسه فرهنگی برهان، قم.
۵. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ (۱۳۹۷)، درآمدی بر نظام نامه تربیتی المصطفی ﷺ، چاپ دوم، نشر المصطفی، قم.
۶. عالم زاده نوری، محمد (۱۳۹۶)، راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۷. صدری، محمد جعفر و رجبی، محمود (۱۳۹۵)، «مبانی و شیوه های طبقه بندی گزاره های اخلاقی در قرآن کریم و روایات»، دوفصل نامه اخلاق و حیانی، ش ۱۱.
۸. کریمی، علیجان (۱۳۹۷)، درآمدی بر تربیت هیجانی، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، مجموعه آثار، صدرا، تهران.

